پیشخوان

خاطرات زنده‌یاد شیخ مصطفی رهنما آیینه‌ای بر تاریخ معاصر ایران

یادها و یادمان‌های «مبارز تنها»

شاهد توحیدی

اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، خاطرات زنده‌یاد شیخ مصطفی رهنما را در بر دارد. این مجموعه از سوی رحیم روحبخش‌الله آباد تدوین شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی، به انتشار آن همت گماشته است. تارنمای ناشر در معرفی این کتاب، به نکات پی آمده اشارت برده است: «شاید بتوان اسناد و خاطرات را، دو مؤلفه اصلی پژوهش‌های تاریخ معاصر تلقی کرد که با کنار هم گذاشتن آنها، می‌توان وقایع تاریخی را بازسازی، تجزیه و تحلیل نمود. بر این اساس کتاب اسناد و خاطرات شیخ مصطفی رهنما به عنوان یک منبع پژوهشی، دربردارنده این دو امتیاز توأمان می‌باشد و به سهم خود می‌تواند، برخی خلأهای منابع تاریخی دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ را پر کند. به‌خصوص اینکه شیخ مصطفی رهنما، درطول دوران طولانی مبارزات خود، غالباً با جمع محدودی از همفکرانش فعالیت می‌کرد که خود محوریت آن را برعهده داشت. از این رو موضوعات مطروحه در خاطرات و اسناد او، حالتی منحصربه‌فرد به کتابش بخشیده است. به طوری که به‌ندرت می‌توان سرنخی از مطالب آن‌را، در سایر منابع به‌دست آورد. به هر تقدیر رهنما را می‌توان یک مبارز مستقل و تا حدودی تکرو تلقی کرد که هر چند با تشکیل جمعیت مسلم آزاد و نشر ارگان آن یعنی مجله‌حیات مسلمین، سعی کرد تشکیلاتی عمل کند، ولی چون تعدادی انگشت‌شمار از افراد جذب جمعیت مذکور شدند، ناچار او به تنهایی این راه را ادامه داد! تردیدی نیست که دغدغه‌های اصلی وی در این حرکت، مذهب و دینداری او

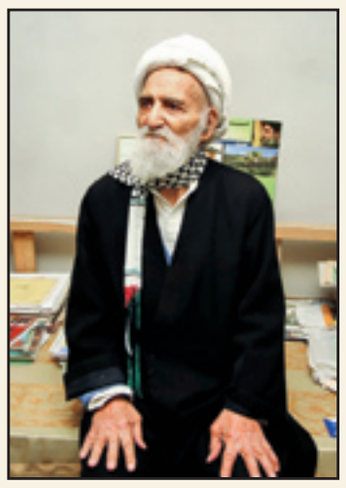

زنده‌یاد شیخ مصطفی رهنما، در واپسین سالیان حیات

بود. رهنما از خاندانی روحانی و مبارز برخاسته و برادران واحدی در جمعیت فدائیان اسلام، دایی‌های او بودند... ».

شیخ مصطفی رهنما، در بخشی از یادمان‌های خویش، ماجراهایی خواندنی از دستگیری هایش از سوی ساواک را روایت کرده است: «من ۱۸ بار از سوی دستگاه‌های امنیتی رژیم شاه دستگیر، زندانی و تبعید شدم. چهار بار از این زندان‌ها با شکنجه‌های سنگین همراه بود که نهایتاً به بیماری‌هایی سنگین و دائمی برای من منجر شد. البته ساواک اغلب هم موفق نمی‌شد مرا دستگیر کند وگرنه این آمار خیلی بالاتر می‌رفت! یک بار دکتر صدر از سوی یکی از آشنایانش - که با ساواک ارتباط داشت - به من خبر داد که تحت تعقیب ساواک هستم و بهتر است حواسم را حسابی جمع کنم! یک بار هم در حالی که اعلامیه داشتم، به یکی از روستاهای گرمسار رفته بودم که متوجه شدم مأموران ژاندارمری در تعقیبم هستند و با اسب یکی از روستایی‌ها، از مهلکه فرار کردم! من در برخورد با مأموران ساواک، هیچ ترسی نداشتم و آنها را صراحتاً از این شغل برحذر می‌کردم و می‌گفتم: دنبال یک کار شرافتمندانه بروید! یک بار یکی از مأموران ساواک، با لباس آخوندی به روستای خانواده خانم من رفته و مرا بی‌سواد و دیوانه معرفی و سعی کرده بود، تا ذهن آنها را نسبت به من خراب کند. یک بار هم مادرم برای ملاقات با من به زندان آمده بود و مأموران ساواک سعی کرده بودند تا او را تطمیع کنند. آن روزها، مادرم سخت نیاز مالی داشت و حسابی گرفتار بود. وقتی به ملاقات من آمد، این حرف را به من زد و من او را به شدت برحذر داشتم. ساواک نسبت به رابطه من با سفارتخانه‌های خارجی، بسیار مشکوک بود و مرا جاسوس می‌پنداشت! به همین دلیل، همیشه رفت و آمدهای مرا کنترل می‌کرد. یک بار موقعی که در تجریش از سفارت سوریه بیرون آمدم، دستگیرم کردند... ».

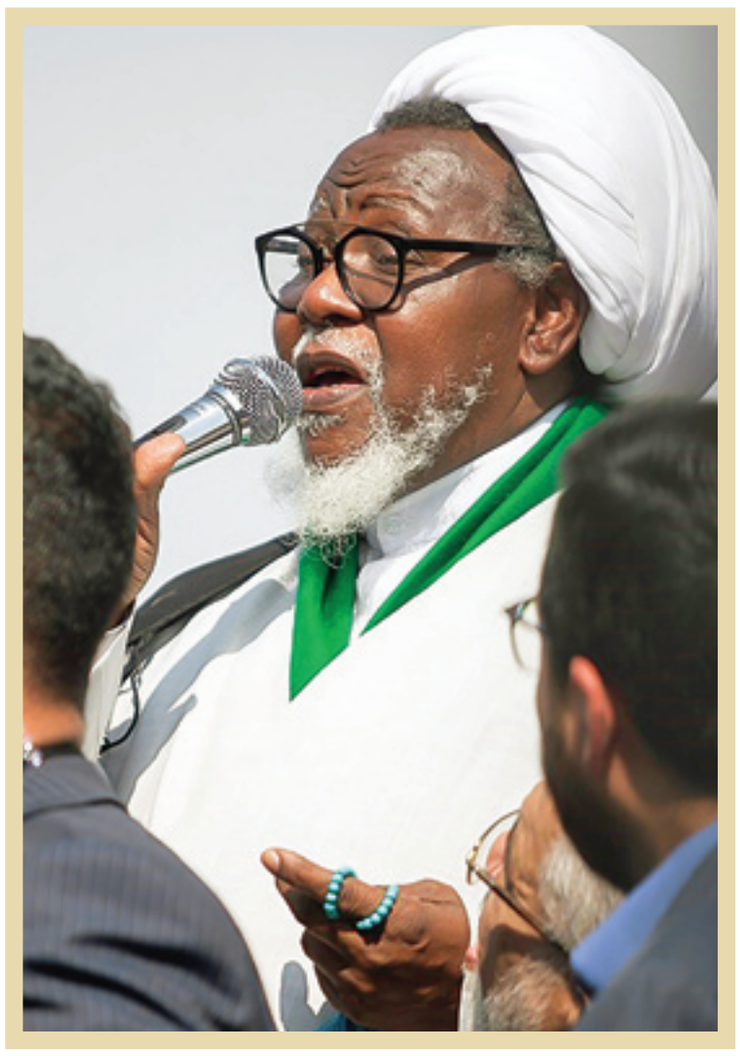

مهر ۱۴۰۲. فرودگاه مهرآباد تهران، شیخ ابراهیم یعقوب زکزاکی پس از ورود به ایران

انقلاب اسلامی ایران و گرایش به تشیع در کشور نیجریه

ما به سلاح نیاز نداریم سیره امام(ره) الگوی بیداری است

مریم صادقی‌پری

رشد تشیع در کشور نیجریه به عنوان یکی از کشورهای مهم قاره آفریقا، با وجود تبلیغات گسترده نظام سلطه، نظر مجامع علمی و سیاسی دنیا را به خود معطوف کرده و جمعیت چند میلیونی شیعیان، این کشور را یکی از کانون‌های تشیع در غرب آفریقا تبدیل ساخته است. یافته‌های تاریخی حاکی از آن است که وقوع انقلاب اسلامی ایران در ۲۲بهمن سال ۱۳۵۷، یکی از مهم‌ترین عوامل رشد تشیع در نیجریه است. مقال پی آمده سعی بر آن دارد تا به این پرسش پاسخ دهد که وقوع انقلاب اسلامی چه تأثیری در گسترش تشیع در نیجریه داشته است؟ امید آنکه تاریخ پژوهان انقلاب اسلامی و عموم علاقمندان را مفید و مقبول آید.

چپاولگری‌های استعمارگران در کشور نیجریه

استعمارگران از طریق بازرگانی، به آفریقای غربی وارد شدند. نخست پرتغالی‌ها تجارت خود را با غرب این قاره آغاز کردند و به دنبال آن، انگلیسی‌ها و هلندی‌ها نیز وارد میدان شدند. [۱] هرچند غربی‌ها با تفاخر مدعی‌اند که سفرهای اکتشافی آنان در آفریقا برای متمدن کردن آفریقاییان و پیگیری علم بوده است، ولی نتیجه چند قرن مبادله برده چیزی جز ویرانی و جنگ‌های داخلی درپی نداشت. [۲] در قرن شانزدهم میلادی، استعمارگران اروپایی (پرتغال و انگلستان) به این مناطق وارد شدند. در قرن هجدهم میلادی، امپراتوری بریتانیا، لاگوس را اشغال و آن را به صورت پایگاه نظامی درآورد و سپس به سوی مناطق دیگر پیشروی کرد. در دهه ۱۸۸۰م، دولت بریتانیا، نیجریه را به سه منطقه لاگوس و یوروبا، دلتای نیجر و مسلمان‌نشین شمال تقسیم کرد. [۳] در سال ۱۸۸۵م، سرزمین‌های آفریقایی بین کشورهای استعمارگر تقسیم شدند که لاگوس جزء بخش تحت‌الحمایه جنوبی شد. هنوز این تحولات در حال انجام بود که در سال ۱۹۰۰م، شمال نیجریه مورد هجوم نیروهای بریتانیایی قرار گرفت. این جنگ تمام عیار سیاسی و فرهنگی، تا سال ۱۹۰۳م یعنی زمان فتح کامل و تصرف منطقه شمال و نامگذاری آن به منطقه تحت‌الحمایه شمالی ادامه داشت. [۴] پس از جنگ جهانی دوم، جنبش‌های آزادی‌بخشی در مستعمرات غرب آفریقا، به میزان قابل توجهی رشد کردند. در نتیجه شدت اعتراضات علیه استعمار، مقامات کشور انگلستان را بر آن داشت تا با شرکت دادن بیش‌تر آفریقایی‌ها در سازمان اداری از طریق قانون اساسی، نارضایتی توده‌ها را کاهش داده و جنبش‌ها را کنترل نماید. [۵] تا در سال ۱۹۵۴م، انتخابات قوه قانون‌گذاری برگزار شد و حزب مناطق شمال به دلیل داشتن اکثریت، کرسی‌های بیش‌تری را در مجلس به دست آورد و ابوبکر تا فاوابلوا با حمایت حزب شوای ملی نیجریه و کامرون، به عنوان نخست‌وزیر انتخاب شد و کابینه دولت را تشکیل داد. این اولین حکومت مردم‌نهاد نیجریه و در واقع پایان دوره استعمار بود. در اول اکتبر ۱۹۶۰م، کشور نیجریه استقلال خود را از دولت انگلستان به دست آورد و از این به بعد، تاریخ جدید سیاسی نیجریه آغاز شد. [۶]

تبلور اسلام در نیجریه

اسلام در قرن هفتم هجری قمری، از طریق شمال نیجریه و از سمت بازرگانان و تجار مسلمان، به این کشور وارد شد و مردم ناحیه شمالی و مرکزی نیجریه آن را پذیرفتند. پس از آن در طول چند قرن، در نواحی غرب و جنوب این کشور گسترش پیدا کرد. درواقع طی دو قرن، مسلمانان نیجریه توانستند، ابتدا حاکم «کانو» و سپس حاکم «کاتیسنا» را مسلمان کنند. به طوری که در اواخر قرن نهم هجری، بزرگ‌ترین دستاورد حضور سیاسی پیروان اسلام یعنی اتحاد دو پادشاهی «هوسا» و «فولانی» پدید آمد. از منظر پژوهشگران، مسلمانان در نیجریه بسیار موفق عمل کرده‌اند و این توفیق به دو عامل عمده پیشرفت‌های مادی و معنوی ایشان بازمی‌گردد. در واقع پیشرفت مادی و اخلاقی مسلمانان در آن منطقه، باعث گسترش اسلام در سرتاسر نیجریه شد. [۷]

حرکت‌های جهادی در نیجریه

تاریخ اسلام در غرب آفریقا، با جنبش‌های اصلاحی آغاز شد. از سده هجده میلادی، گروهی از مسلمانان منطقه غرب آفریقا کوشیدند تا از طریق جهاد و سرنگون کردن حکومت‌های فاسد مسلمان یا غلبه بر بت‌پرستان، دولت‌های کاملاً اسلامی به وجود بیاورند. این قیام‌ها عمدتاً در سرزمین‌هایی مثل نیجر و نیجریه، مالی، سنگال گامبیا و گینه رخ داد و رهبران این قیام‌ها علمایی بودند، که غالباً با هجرت یا سفر به نقاط مختلف جهان اسلام از جمله مکه و مدینه، با گروه‌های اصلاح‌طلب آشنا شده بودند. [۸] جهادهای مسلمانان، تأثیر درخور توجهی در گسترش اسلام در آفریقا داشته است. از این رو از قرن هجدهم میلادی، شاهد گسترش اسلام بین جوامع غرب آفریقا به ویژه در روستاها هستیم. این پیشرفت به دست حاکمان رخ نداد، بلکه نتیجه تلاش علما بود. حرکت‌های جهادی در آن دوره برای نشر اسلام، در مناطقی که اهل آن اسلام نیاورده بودند، یا برای اصلاح عقیده فعال شدند، چشمگیر بود. [۹] گروه‌های جهادی که متأثر از یکدیگر بودند، در آغاز سده ۱۹ میلادی به پیروزی‌های چشمگیری رسیدند، چنان که مسلمانان غرب آفریقا بر این باور بودند که سده ۱۹ میلادی، سده پیروزی اسلام بر جهان کفر خواهد بود. [۱۰]

رونق تشیع در نیجریه، پس از پیروزی انقلاب اسلامی

براساس اطلاعات موجود، نخستین بار اتباع لبنانی که برای فعالیت‌های اقتصادی وارد این کشور شدند، مذهب تشیع را با خود به ارمغان بردند. از اواسط قرن نوزدهم میلادی، مهاجرت مهاجران لبنانی به غرب آفریقا افزایش یافت، که عده‌ای از آنان پیرو مذهب تشیع بودند. [۱۱] با این وجود آنچه موجب گسترش تشیع در این کشور گردید، وقوع انقلاب اسلامی در ایران بود که توجه دانشجویان مسلمان نیجریه را به خود جلب کرد. گروهی از جوانان نیجریه‌ای با مطالعه آثار حسن البنا، سید قطب و محمد البا، به دنبال روشی برای مبارزه و ایجاد اصلاحات در کشورشان بودند. در اواسط دهه ۱۹۷۰م، اختلاف در بینش مذهبی، مشکلات اقتصادی، فساد اقتصادی و مشکلات سیاسی ناشی از حکومت نظامیان، برخی اعضای انجمن دانشجویان مسلمان از جمله ابراهیم زکزاکی را با این ایده که تنها راه حل مشکلاتی که نیجریه با آن مواجه است، بازگشت به اسلام و اجرای کامل آموزه‌های آن است به دامان اسلام سیاسی سوق داد. از سوی دیگر این تشکل به نوعی وابسته به جماعت «نصرالاسلام» بود و ظرفیتی مناسب برای فعالیت سیاسی در دانشگاه‌ها و جامعه نیجریه نداشت. از همین رو و به مرور زمان، این دانشجویان به دو گروه تقسیم شدند: عده‌ای تحت‌تأثیر تبلیغات جریان وهابی سعودی، گروه «دعوت» را شکل دادند و بیشتر به کارهای تبلیغی پرداختند و عده‌ای دیگر از جمله زکزاکی، با الهام از انقلاب اسلامی ایران، تحت عنوان گروه «امت» خواهان اجرای قانون شریعت و ایجاد حکومت اسلامی شدند. این گروه، خود را عضو سازمان خاصی نمی‌دانستند و تنها به قوانین اسلام ملتزم بودند. وقوع انقلاب اسلامی در ایران، افکار این جوانان را تحت‌تأثیر قرار داد. طنین انقلاب در نیجریه از سوی اعضای انجمن دانشجویان مسلمان شنیده شد. اولین گروه شیعه در نیجریه، بعد از انقلاب اسلامی ایران در قالب حرکت اسلامی شمال نیجریه به رهبری شیخ ابراهیم یعقوب زکزاکی - که در حال حاضر به عنوان رهبر بخشی از شیعیان این کشور و یکی از مبارزان نیجریه محسوب می‌شود- تشکیل شد. شعارهایی نظیر تشکیل حکومت اسلامی، آزادسازی قدس، سرکوب دشمنان اسلام و رفع ظلم از ملت‌های مستضعف سبب شد که جوانان بسیاری جذب این انقلاب و بنیان فکری آن شوند. [۱۲]

> **شیخ ابراهیم زکزاکی در نیجریه، توانست انقلابی آرام و بدون توسل به هرگونه خشونت را پیش ببرد. انقلاب او، صرفاً در راستای بصیرت‌افزایی مردم محروم و مستضعف نیجریه بود. با توصیه‌های اتاق فکرهای امریکا و اسرائیل، دولتمردان نیجریه برای جلوگیری از نفوذ روزافزون شیخ در بین مردم نیجریه و گرایش آنها به اسلام انقلابی، احساس خطر و هر روز به بهانه‌های مختلف، به طرفداران وی حمله و آنها را شهید یا زخمی می‌کردند**

تأثیرپذیری شیعیان تحول خواه نیجریه از امام خمینی

وقوع انقلاب اسلامی ایران در ۲۲بهمن سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹م)، بستر رخدادهای متعددی در عصر معاصر شد. به گونه‌ای که به اعتراف اندیشمندان غربی، گستره تأثیر این انقلاب از جغرافیای ایران و خاورمیانه فراتر رفته، همه جهان را تحت‌تأثیر خود قرار داد. دوست و دشمن متفق‌اند که انقلاب اسلامی ایران، تأثیر به سزایی بر جهان اسلام و غرب داشته است. [۱۳] پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شیخ زکزاکی به ایران سفر کرد. او یکی از افرادی است که به شدت تحت‌تأثیر ارزش‌های انقلاب اسلامی و آموزه‌های اسلامی قرار گرفت. او در سال‌های ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸م، قائم‌مقام دبیر کل انجمن اسلامی اتحاد دانشجویان مسلمان نیجریه و در سال ۱۹۷۹م، معاون بین‌الملل این انجمن دانشجویان شد. [۱۴] در این زمان از طریق یکی از اساتید خود، با نام رهبر انقلاب اسلامی آشنا گشت. روحیه انقلابی به همراه تواضع و فروتنی شیخ زکزاکی، باعث شد که قلوب جوانان طالب حقیقت نیجریه به سوی او جلب شوند. [۱۵] وی در سال ۱۹۸۰م و در نخستین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، به عنوان معاون دبیر کل دانشجویان مسلمان آفریقا به ایران دعوت شد. زکزاکی در این دیدار از امام خواست که وی را نصیحت کند و برای موفقیت در فعالیت‌هایش مشاوره دهد. امام قرآنی به او هدیه دادند و به وی گفتند: «شما براساس این کتاب عمل کنید، تا موفق شوید... ». او پس از این سفر شیعه شد و تغییراتی در تفکر وی به وجود آمد و تصمیم گرفت، تا بین مسلمانان نیجریه وحدت ایجاد کند. [۱۶] وی درباره امام خمینی می‌گوید: «تنها شخصیتی که دین را با مختصات انقلابی معرفی کرد و نشان داد اسلام می‌تواند هدایت‌کننده ملت‌های دربند برای رهایی از ظلم ستمگران باشد، حضرت امام خمینی بود... » [۱۷]

جمهوری اسلامی اقداماتی مانند دایر کردن مدارس شیعی در شهرهای مختلف نیجریه، همچون مؤسسه اهل‌بیت(ع)، تأسیس شرکت انتشاراتی التوحید که نشریاتی همچون پیام وحدت، هفته‌نامه تهران تایمز، ساکسون مسلمچی را در کارنامه خود دارد، چاپ و ترجمه کتاب‌هایی در زمینه آموزش قرآن و معارف، آشنایی با انقلاب اسلامی و اندیشه امام خمینی، تشکیل کلاس‌های آموزش تحقیق در زمینه‌های متفاوت فرهنگی، مذهبی و اجتماعی، کمک به مدارس، دانشگاه‌ها و کتابخانه‌ها، تأسیس انجمن دوستی ایران و نیجریه، برگزاری مراسم ایام‌الله، آموزش زبان فارسی و اعزام شخصیت‌های مختلف به نیجریه را، در دستور کار قرار داد. [۱۸] شیخ در سال‌های میانی دهه ۱۹۸۰ و پس از آزادی از زندان، در جلسات درس، مباحثه و سخنرانی‌های خود، همواره عکس‌های امام خمینی را در کنار خود قرار داده و به مواضع و بیانات ایشان اشاره می‌کرد. این اقدامات، منجر به بیداری گروهی از مسلمانان ایالت کانو و سایر ایالات شمال نیجریه و واکنش آنان علیه سوءمدیریت و فساد گسترده اداری حاکم بر کشور شد. از سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۶م، بارها شیخ زکزاکی بازداشت و روانه زندان شد. در این دوره روی کار آمدن دولت‌های جدید یا کودتا در نیجریه، موجب آزادی او از زندان و تداوم فعالیت‌هایش بود. [۱۹]

کشتار شیعیان از سوی دولت نیجریه

تشکیل حرکتی که در بخش‌های پیشین بدان اشارت رفت، به گسترش تشیع در این کشور و اتحاد و انسجام میان آنها انجامید. مبارزات این گروه در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی ادامه یافت و در طول این سال‌ها، دولت به سبب مبارزات سیاسی این گروه، تعداد زیادی از اعضای حرکت اسلامی را دستگیر و به حبس‌های کوتاه تا طویل‌المدت محکوم نمود. متعاقب درگیری‌های خونین اعضای این گروه‌ها با دولت نیجریه در سپتامبر ۱۹۹۶، که به شهادت حدود ۳۰ نفر از اعضا و شناسایی و دستگیر شدن حدود ۷۰۰ نفر از اعضای این گروه اسلامی از سوی دولت منجر شد، مرکز این حزب در شهرهای شمالی تعطیل گردید.

در روز قدس سال ۲۰۱۴م/ مرداد ۱۳۹۳ش، سه پسر ابراهیم زکزاکی به همراه ۳۳ نفر از شیعیان، در جریان حمله نیروهای نظامی نیجریه به راهپیمایان روز قدس شهید شدند. [۲۰] پلیس در ادامه این حمله، منزل شیخ و حسینیه بقیه‌الله را - که مهم‌ترین مرکز شیعیان در نیجریه و محل درس‌های شیخ زکزاکی بود- تخریب کرد! رهبر شیعیان نیجریه بعد از شهادت فرزندانش گفت: «این مصیبت وارده به ما، در مقایسه با مصیبت اباعبدالله الحسین(ع) بسیار کوچک است. باید مصیبت‌های واقعه کربلا را به یاد بیاوریم و به فکر صلاح امت اسلامی باشیم... » [۲۱]

در ۱۲ دسامبر ۲۰۱۵ (۲۱ آذر ۱۳۹۴)، زمانی که جنبش اسلامی نیجریه در تدارک برنامه‌های عزاداری ۲۸ صفر بود، ارتش این کشور ادعا کرد که گروهی مسلح تلاش داشته‌اند فرمانده ارتش نیجریه را هنگامی که از مناطق شمالی عبور می‌کرده است، ترور کنند، ولی ناکام مانده‌اند! ارتش این ترور نافرجام را، به جنبش نسبت داد. جنبش این اتهام را رد کرد و اعلام کرد که سازمانی مسالمت‌جو است که هیچ‌گاه علیه هیچ‌کس سلاح به دست نگرفته است. با این همه و بلافاصله، نظامیان به محل اجتماعات اعضای جنبش تیراندازی کردند. بعضی گزارش‌ها حاکی از آن بود، که صدها عضو جنبش از جمله زنان و کودکان، در سه مکان مختلف به شهادت رسیده‌اند. سخنگوی جنبش اسلامی، تعداد کشته‌ها را بیش از هزار نفر اعلام کرد. در این حمله شیخ زکزاکی، مورد اصابت چند گلوله ارتش قرار گرفت و از ناحیه یک چشم نابینا شد. سپس ارتش او و همسرش را، به مکان نامعلومی منتقل کرد! در نوامبر ۲۰۱۶ (۲۴ آبان ۱۳۹۵)، بار دیگر ارتش به عزاداران حسینی(ع) در شهر کانو حمله کرد. شیعیان کانو به رسم هر سال، در آیین پیاده‌روی نمادین اربعین حسینی به سمت شهر زاریا در حرکت بودند، تا در اجتماع بزرگ اربعین حسینی در زاریا شرکت کنند. در نتیجه تیراندازی نیروهای نظامی، ده‌ها نفر شهید شدند. [۲۲]

کلام آخر

شیخ ابراهیم زکزاکی در نیجریه، توانست انقلابی آرام را بدون توسل به هرگونه خشونتی پیش ببرد. انقلاب او، صرفاً بصیرت‌افزایی مردم محروم و مستضعف نیجریه بود. با توصیه‌های اتاق فکرهای امریکا و اسرائیل، دولتمردان نیجریه برای جلوگیری از نفوذ روزافزون شیخ در بین مردم نیجریه و گرایش آنها به اسلام انقلابی، احساس خطر و هر روز به بهانه‌های مختلف، به طرفداران شیخ حمله و آنها را شهید یا زخمی می‌کردند! غافل از اینکه پس از هر کشتار، نه تنها از طرفداری شیخ در نیجریه کم نمی‌شود، بلکه دیگر کشورهای آفریقایی نیز به خیل طرفداران او می‌پیوستند. شیخ از همان ابتدای شروع جنبش، با مسلح شدن مخالف بود و می‌گفت: «ما به سلاح نیاز نداریم، فقط باید به بیداری مردم بپردازیم، تا جامعه قانع شود و خودش حقیقت را دریابد، همان اتفاقی که در ایران افتاد... ». شیخ تحت‌تأثیر مکتب امام خمینی معتقد است که خود مردم باید تغییرات بزرگ را رقم بزنند. تغییر یک فرآیند تدریجی است، که با اصلاح و تهذیب درونی افراد آغاز می‌شود و زمانی که جامعه آماده تغییر شد، تغییرات کلی مورد نظر در امت اسلامی پدید خواهد آمد.

مهر ۱۴۰۲. فرودگاه مهرآباد تهران، استقبال از شیخ ابراهیم یعقوب زکزاکی

> **ابراهیم زکزاکی در سال ۱۳۵۸. ش و در نخستین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، به عنوان معاون دبیر کل دانشجویان مسلمان آفریقا به ایران دعوت شد. زکزاکی در این دیدار از امام خواست که وی را نصیحت کنند و برای موفقیت در فعالیت‌هایش مشاوره دهند. امام قرآنی به او هدیه دادند و به وی گفتند: «شما براساس این کتاب عمل کنید، تا موفق شوید... .»**

منابع

۱- بزیل دیویدسن، آفریقا تاریخ یک قاره، ترجمه هرمز ریاحی و فرشته مولوی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸، ص۳۶۱-۳۵۷.

۲- علی دخانیانی، تاریخ آفریقا، تهران، توکا، ۱۳۵۸ش، ص۱۱۲.

۳- یونس محمدثانی، پایان‌نامه نقش اسلام در ایجاد ثبات سیاسی در نیجریه، دانشگاه باقرالعلوم(ع) - دانشکده علوم انسانی، ۱۳۸۷ش، ص۴۱- ۴۰.

۴- محمدرضا شکیبا، سرزمین و مردم نیجریه، تهران، بین‌المللی الهدی، ۱۳۸۸ش، ص۷۵-۷۴.

۵- یونس محمدثانی، همان، ص۴۱.

۶- همان، ص۴۳.

۷- حسینی، «وضعیت مسلمانان و شیعیان نیجریه از ظهور اسلام تا قبل از انقلاب اسلامی»، نامه جامعه، ش۱۱۹، ص۹۷-۹۶.

۸- رضا ادبی فیروزجائی و حبیب زمانی محبوب، شیعیان نیجریه، قم، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق(ع)، زمزم هدایت، ۱۳۹۷ش، ص۳۰.

۹- عبدالمجید شرفی و عبدالله ناصری، اسلام: وحدت مبانی و کثرت ظهور، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۹۶ش، ص۳۹۵.

۱۰- همان، ص۳۰.

۱۱- رضا ادبی فیروزجائی و حبیب زمانی محبوب، همان، ص۱۳۸-۱۳۷.

۱۲- محمدالثانی عمر موسی، «الشیعه فی نیجریا: النشأه والوسائل»، قرأت اسلامیه، ش۴، شوال ۱۴۳۰، ص۵۰-۴۱.

۱۳- جان اسپوزیتو، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، تهران، نشر باز، چ۴، ۱۳۹۱ش، ص۳۲۵.

۱۴- ایمان نوروزی، بنده خوب خدا: شیخ زکزاکی به روایت شیخ زکزاکی، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۸ش، ص۴۲.

۱۵- محسن معارفی، «بررسی دلایل گرایش به تشیع در نیجریه، تنگناها و راهبردهای توسعه»، نشریه جریان‌شناسی دینی معرفتی در عرصه بین‌الملل، دوردوم، شماره۳، بهار و تابستان ۱۳۹۹، ص۱۲۲.

۱۶- ایمان نوروزی، همان، ص۷۵.

۱۷- حمیدرضا کردی، «شیعیان نیجریه فرصت‌ها تهدیدها، باورها»، فصلنامه پیام، ش۱۱۶، زمستان ۱۳۹۴، ص۱۱۷.

۱۸- وحید مرادی، بازتاب انقلاب اسلامی بر اسلام‌گرایی در نیجریه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۱ش، ص۱۹۲-۱۹۱.

۱۹- امیربهرام عرب احمدی، شیخ ابراهیم زکزاکی و نقش بنیادین او در شکل‌گیری و گسترش تشیع در نیجریه، تهران، نگارستان اندیشه، ۱۳۹۷ش، ص۶۵-۶۴.

۲۰- محمدحسن شجاعی‌فرد، «نگاهی به زندگی شیخ ابراهیم زکزاکی، رهبر شیعیان نیجریه؛ ابراهیمی با قدرت یک امت»، پاسدار اسلام دی و بهمن ۱۳۹۸، شماره ۴۵۵ و ۴۵۶، ص۴۰.

۲۱- محسن معارفی، همان، ص۱۳۳-۱۳۲.

۲۲- همان، ص۱۳۴.